

## شهرام شهیدی

اینجانب شهرام شهیدی فرزند محمد مهدی متولد ۴۲/۶/۲۲ در اصفهان به شماره شناسنامه ۸۸۵ که در تاریخ ۷۵/۱۲/۱ از مرز سرخیر وارد عراق شده ام اعتراف مینمایم به منظور نفوذ و جاسوسی توسط وزارت اطلاعات رژیم به درون سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادی بخش ملی ایران فرستاده شده ام.

شهرام شهیدی ۷۶/۳/۵  
محل امضا و اثر انگشت

طی ماههای آذر و دی آموزشهای تعقیب و مراقبت و قرار را شخصی بنام حسین داد بعد هم یکروز صبح با من قرار گذاشت و با یک موتورسیکلت آموزش عملی تعقیب را دیدم، سپس شخصی که نام خود را نگفت آموزش تشخیص و توصیف و چهره نگاری داد

شهرام شهیدی

آتشب از من مصاحبه تلویزیونی گرفتند و حاج علی مأموریتها را گفت که عبارت بود از شناسایی محل اصابت خمپاره های ۳۲۰ میلیمتری در بغداد. خرابکاری در سیستمهای برق و در صورت عملیات زدن و به شهادت رساندن همزمها. قرار شد فردا صبح عبور کنیم روز بعد فکر می کنم سه شنبه ۳۰ بهمن جهت عبور از مرز به مسیر سرخیر رفتیم.

شهرام شهیدی


وقتی به من گفتند ماهی ۱۸۰ هزار تومان به خانواده ات میدهم و برایشان خانه اجاره میکنیم، عشق خارج رفتن و پول درآوردن و نجات از فلاکت و سربلند شدن در برابر همسر و فرزندم باعث شد چشمم را ببندم و در برابر خلق سرافکننده شوم.

شهرام شهیدی

## محمدجواد مشهوری

## سند شماره ۱

این جانب محمدجواد مشهوری متولد همدان سال ۱۳۴۶ به شماره شناسنامه ۱۰۹۵۵۷ فرزند  
 محمدحسین در تاریخ ۷۵/۱۲/۳ از جانب وزارت اطلاعات رژیم خمینی توسط فردی به اسم  
 برنجیان برای مأموریت نفوذ و جمع آوری اطلاعات به داخل ارتش آزادی بخش فرستاده شدم.

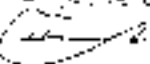


این جانب محمدجواد مشهوری متولد همدان سال ۱۳۴۶ به شماره شناسنامه ۱۰۹۵۵۷ فرزند  
 محمدحسین در تاریخ ۷۵/۱۲/۳ از جانب وزارت اطلاعات رژیم خمینی توسط فردی به اسم  
 برنجیان برای مأموریت نفوذ و جمع آوری اطلاعات به داخل ارتش آزادی بخش فرستاده شدم.

۷۶/۴/۳

## سند شماره ۲

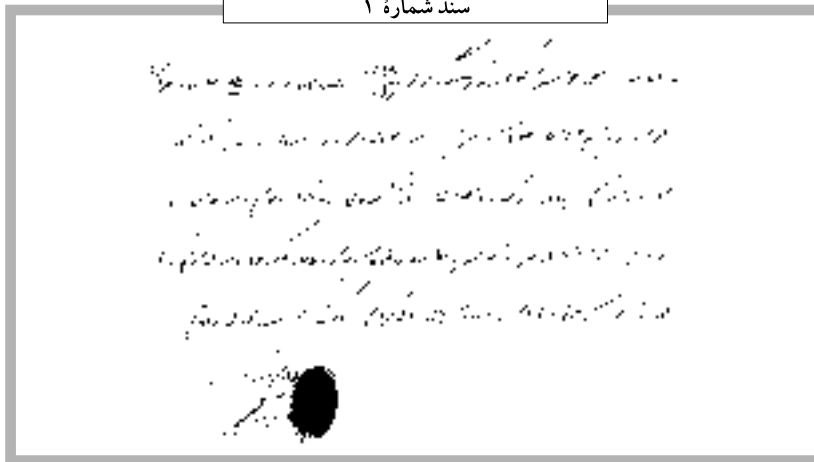
لورده همدان در این زمان به نام آقای قنبر علی محمدی در همدان ساکن بودم. به صورتی که  
 با هم زندگی می کردیم و در این مکان بهم دزدی و سرقت می کردند و چون در آن زمان  
 قضاوتی در آنجا نبود.



طی دو هفته ای در این ساختمان بودم. آموزش تعقیب و مراقبت را هم دیدم. به صورتی تئوری  
 عملی بود. پایه و پیشنهاد آمدن به عراق را در این مکان بهم دادن. سیدعلی رستگار (خسرو) علی  
 دایی یا دانایی به عنوان فرمانده من حساب می شدند.

## جلال الدین اسکندری

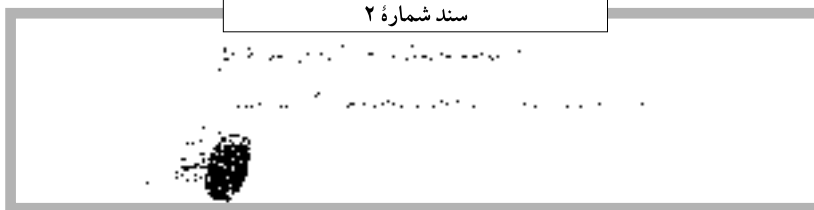
سند شماره ۱



اینجانب جلال الدین اسکندری فرزند فرهنگ متولد ۱۳۴۹ تهران دارای شماره شناسنامه ۹۵ صادره از تهران اعتراف می‌نمایم که توسط اطلاعات رژیم خمینی به منظور جاسوسی و ضربه زدن به درون ارتش آزادیبخش ملی نفوذ داده شده‌ام. پس از آموزشها و توجیهات مزدوران اطلاعاتی در تهران به ایلام فرستاده شده و در تاریخ ۷۶/۱/۲۳ از معبر شورشیرین توسط اداره اطلاعات ایلام به داخل خاک عراق فرستاده شدم که خود را به عنوان هوادار مجاهدین به مقامات عراقی معرفی کردم و اکنون به خیانت خود پی برده‌ام.

جلال الدین اسکندری  
۷۶/۱۰/۲۷

سند شماره ۲



برایم آورد کتابها خلاصه می‌شود از کتابهای انتشار خارج از کشور توسط بریده‌ها مانند (قلعه الموت، روی خط شب با رادیو ۲۴ ساعته، ارتجاع غالب و مغلوب، گرداب و سراب) اسکندری - ۷۶/۱۰/۲۱



## ملک محمد منجی

اینجانب ملک محمد منجی فرزند حسن خان متولد ۱۳۴۶ در میانکوه (آغاچاری) به شماره شناسنامه ۴۷۵ که در تاریخ ۷۵/۱۲/۱۳ وارد عراق شدم اعتراف مینمایم که توسط وزارت اطلاعات رژیم خمینی به منظور جاسوسی و جمع آوری اطلاعات به درون ارتش آزادیبخش ملی ایران فرستاده شده‌ام.

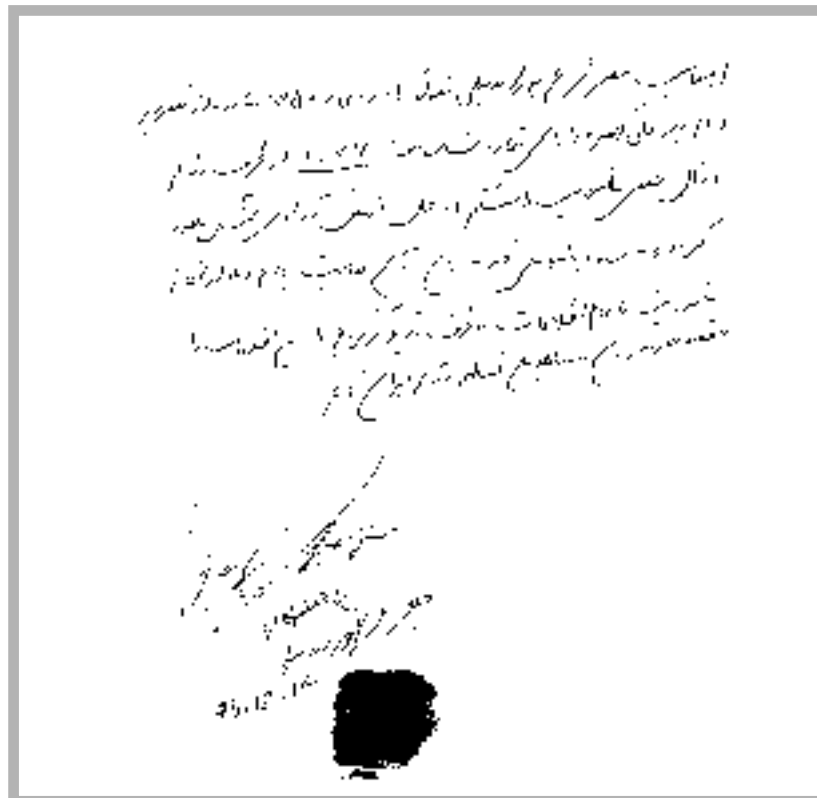
ملک محمد منجی  
۷۶/۳/۵

نشستهای رهبری در کجا و بیشتر به چه مناسبتهایی این نشستها برگزار میشود. تعداد نفرات هر لشکر یا محور. تعداد توپها و تانکها و نفربرهای زرهی هر لشکر یا محور. و اینکه کروی هر قسمتی که می روی را به خاطر بسیار. چه مانورهایی و اسم منطقه مانور. در نشست ها شرکت کن و هر چه میتوانی اطلاعات کسب کن. وارد بحث ها بشو. و رابطه افراد باهم و اسم و مشخصات آن نفراتی که با آنها ارتباط داری و خلاصه اینکه هر چه میتوانی اطلاعات کسب کن.

ملک محمد منجی

به همراه اسماعیل مکنوندی به سپاه رفتیم و بازهم آن ۳ نفر آنجا بودند. من به سیدمرتضی گفتم که من چه کاری باید انجام دهم. او گفت که تو باید به درون ارتش نفوذ کنی و هر چه اطلاعات از ریز و درشت را که فهمیدی برای ما بیاوری، اطلاعاتی که بدر دبخور باشند. درقبال این کار هم من قول یک ماشین، یک خانه در خوزستان و کار را به تو میدهم.

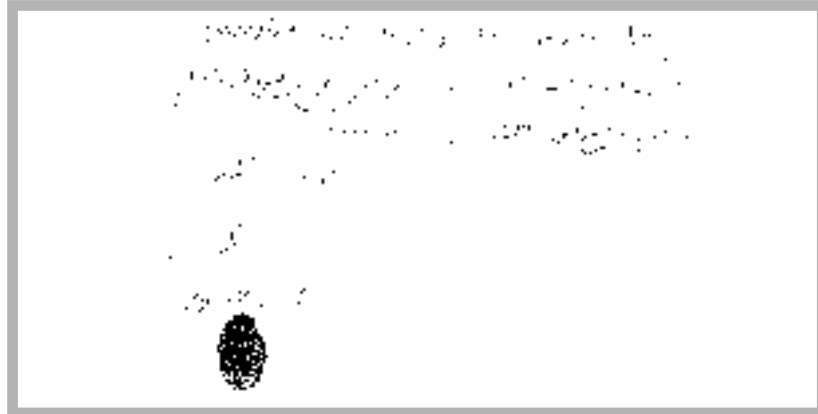
## جعفر فرج پور اندبیلی



این جانب جعفر فرج پور اندبیلی متولد ۱۴ دی ۱۳۵۰ صادره از تبریز و نام پدر علی اکبر و دارای شماره شناسنامه ۱۰۷۶ از طرف رژیم دجال خمینی مأموریت داشتم تا داخل ارتش آزادیبخش نفوذ کرده و به قصد جاسوسی و ضربه زدن به آن فعالیت نمایم. و بعد از اتمام مأموریت با تمام اطلاعات به طرف رژیم برگردم تا از این اطلاعات را به قصد ضربه زدن به مجاهدین تسلیم رژیم ایران نمایم.

جعفر فرج پور اندبیلی  
۷۵/۱۲/۱۴

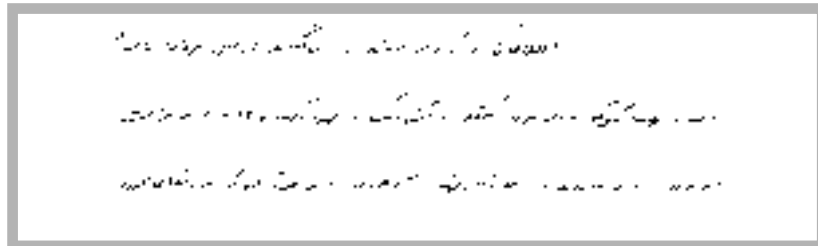
## جهانبخش لطفی پور



این جانب جهانبخش لطفی پور فرزند فریادرس متولد ۱۳۳۵ از طرف وزارت اطلاعات رژیم خمینی برای نفوذ در داخل مجاهدین و جمع آوری اطلاعات فرستاده شدم.

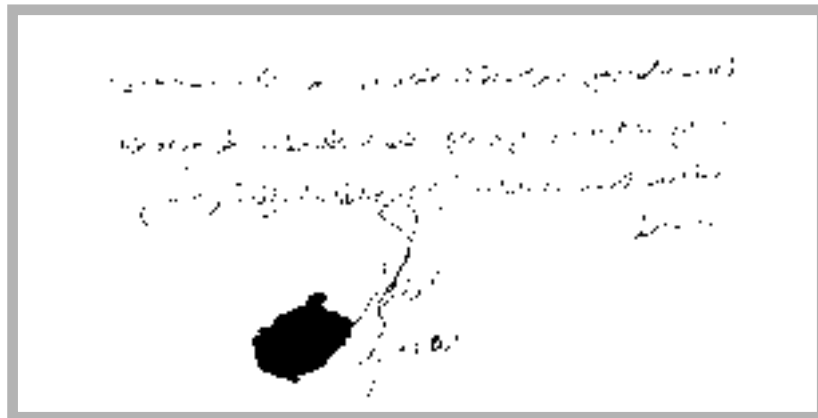
جهانبخش لطفی پور  
۷۶/۷/۱۵

## برزو رضایی



اطلاعاتی را که می خواستند را می گفتند از قبیل ترددات، اجتماعات، اسناد و مدارکی که با آن تردد می کنند. گشتها، کمینها، نحوه نگهبانیها، اسامی نفرات جدیدی که به آن جا می روند. ریل آموزشها، گردهماییها، و هر آن چه که به کار نظامی بخورد.

## محمود امیر لطفی



اینجانب سید محمود امیر لطفی فرزند سید اسماعیل - متولد سال ۱۳۴۲ در شهرستان گرگان به شماره شناسنامه ۷۱۴ که در تاریخ ۷۶/۴/۲۰ از مرز صالح آباد - شور شیرین، وارد خاک عراق شده ام، به منظور نفوذ و جاسوسی توسط وزارت اطلاعات رژیم به درون سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران فرستاده شده ام.

سید محمود امیر لطفی  
۷۶/۵/۹



## شمس الله پنگان

## سند شماره ۱

اول گفت که خودت را معرفی کن و چه چیزی باعث شد که تو این فکر را کردی و بعد هم من آمدم توی اتاق پشت میز نشستیم و گفت شروع کن من همان چیزی که جمال به هم گفته بود تو مصاحبه گفتم و گفت توی این مدتی که آموزش دیدی چیزی یاد گرفتی. گفتم بله. آموزش خوب بود. بعد سؤال کرد که اگر فرصتی که شد مثلاً کسی را بزنی یا میتوانی فرار کنی حاضرید انجام بدهید. گفتم بله. در اولین فرصت اقدام می کنم.

شمس الله پنگان

## سند شماره ۲

توی برج ۶ بود که جمال شوهانی به من گفت که با هم برویم به ایلام و قرار گذاشتیم و رفتیم بلیط تهیه کردیم حرکت کردیم توی راه بهش گفتم که توی جیرفت گفتمی یک چیزی میخواهم بهت بگویم الان بگو بعد هم گفت که می خواهم با یکی صحبت کنم و بفرستند توی مجاهدین من هم گفتمم برای چه گفت یک کاری کنی برگردی تا پول بهت بدهند من هم گفتمم چه کاری گفت جاسوسی من هم گفتمم باشد.

شمس الله پنگان

سند شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این سند آمده است که ...  
 ...  
 ...

سند شماره ۲

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این سند آمده است که ...  
 ...  
 ...

سند شماره ۳

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این سند آمده است که ...  
 ...  
 ...

سند شماره ۴

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این سند آمده است که ...  
 ...  
 ...